

م. ع. اطرافی

## تروریزم در ابعاد گوناگون

تروریزم در ابعاد جنگی و نظامی، استخباراتی، اقتصادی و تبلیغاتی بحیث یک پروژه مکمل پلان گذاری و عملی میشود. حتی بعضی مدافعین حقوق بشر وضع تحریم مواد غذایی و ادویه جات علیه کشورها و مردمان نیاز مند را که منجر به تلفات و مرگ انسانها و بخصوص اطفال معصوم شود متضاد با اعلامیه حقوق بشر دانسته آنرا تروریزم سیاسی میدانند.

هر پلان، برنامه و عملکردیکه اذهان مردم را مغشوش و مشکوک بسازد و اهداف نامشروع سیاسی، اقتصادی و اشغال گری شان را از طریق تبلیغات سوء و ناروا و ایجاد تفرقه، نفاق، ترس، وحشت، خشونت، دسیسه و جنگ های مستقیم و یا نیابتی بدست آورد و یا به هر وسیله ی که باعث تلفات انسانها شود تروریزم برنامه ریزی و رهبری شده میباشد. **قیامها، مقاومتها، جنگهای آزادی بخش و ضد اشغال هم در آغاز قرن بیست و یکم در ردیف تروریزم رنگ آمیزی شده است که در ماهیت خود ضد تروریزم میباشد.**

تروریزم میتواند یک شخص، یک گروه، یک سازمان، گروه بنیاد گرایان دینی و مذهبی و یا گروه فاشستان نژادی، و یا شرکت های بزرگ اقتصادی، دولت ها و یا پکت های نظامی باشد که اشغال کشورها، استثمار و بهره کشی اقتصادی هدف اساسی و عمده شان را تشکیل داده باشد. که در اثر نشرات و تبلیغات ناروا و گمراه کننده اذهان مردم را زهر آلود میسازند تا مردم نتوانند منشاء اصلی و سرنخ دسایس تروریزم را جستجو، درک و تشخیص نمایند. برای رسیدن به اهداف نامشروع شان از شبکات استخباراتی و دستگاههای نشراتی و تبلیغاتی و به خصوص از آن نشرات مذهبی و سیاسی که نفاق و تفرقه ملی، قومی، نژادی، لسانی، سمتی و مذهبی را دامن میزنند بیشتر کار گرفته میشود. در افغانستان که اسلام علمی، اخلاقی و عقلانی تا حال مسلط نشده و اسلام سیاسی و احساساتی حاکمیت وسیع دارد از تحریک احساسات مردم همواره استفاده های سوء شده است. در عصر حاضر که اخبار و اطلاعات رسانی در

سراسر جهان از طریق روزنامه ها، رادیوها،  
تلویزیون ها، سایتهای انترنیتی، یوتیوب، فیس  
بوک، تویتو، ایمیل ها و تلفون های همراه پخش  
میشود و همه مردم جهان به آن دسترسی دارند  
تروریزم نشراتی و تبلیغاتی از اهمیت خاص  
و ستراتیژیک برخوردار گردیده است.  
روی همین اهمیت ستراتیژیک اش اکثریت روز  
نامه ها و تلویزیونها و رسانه های معتبر جهان را  
کارپیشن های بزرگ اقتصادی غرب خریداری و  
در انحصار خود گرفته اند و از طریق تبلیغات  
گمراه کننده اذهان مردم جهان را مغز شویی کرده  
افکار، برداشتها و قضاوت های شانرا مغشوش  
میسازند تا نیک را از بد و حق را از باطل تفکیک و  
تشخیص کرده نتوانند و به اهداف نا مشروع شان  
بدون عکس العمل و مقاومت مردم جامعه عمل  
بیوشانند. هرکشوریکه تحت پروژه تروریزم  
استعماری قرار میگیرد، در قدم اول شبکات  
استخباراتی، دستگاها و پایگاههای تبلیغاتی به لسان  
های ملی همان کشورها را ایجاد مینمایند و بهترین

ژورنالستان, مبلغین و برنامه سازان همان کشور را در خدمت تروریزم تبلیغاتی خود استخدام مینمایند و به آنها هویت ملی میدهند تا مورد اعتماد مردم قرار بگیرند و تبلیغات شانرا قبول نمایند. یکعده تحلیل گران, کارشناسان سیاسی و عالمان دینی و مذهبی را نیز استخدام مینمایند و توسط شان وقتن فوقتن از طریق رسانه های جمعی تبصره های قبلن آماده شده شانرا به مردم تبلیغ مینمایند تا افکار و اذهان مردم را تحت کنترول و نظارت خود داشته باشند. برایشان پروگرام های تبلیغاتی مشخص داده میشود که درچوکات همان پروگرامها تکرارن آنرا تبلیغ مینمایند. درروزهای حساس و بحرانی نقابها صرف برای مدت کوتاهی برداشته میشود و چهره های اصلی نقاب پوشان برملا و نمایان میشود. جرم ترورستان تبلیغاتی وابسته, نسبت به ترورستان نظامی و انتحاری بمراتب بزرگتر است. اگرترورستان انتحاری چند نفرهارا ترور مینمایند, ترورستان تبلیغاتی اذهان, افکار و عقول سالم ملیونها انسان را مغزشویی نموده مسموم میسازند

و از راه راست به بیراهه هاسوق و هدایت مینمایند  
که موجب ناکامی و تلفات عظیم مردم شان میگردد  
و اضرار شان به منافع ملی، مردم و کشور شان  
بمراتب بیشتر و بزرگ تر است زیرا تفرقه ملی،  
نفاق جمعی و همه گانی را تکرارن دامن میزنند  
و مانع وحدت و همبستگی ملی به نفع استخدام  
کنندگان و کارفرمایان شان میشوند. خود ها را  
در موقف های سارنوال و قاضی تعیین و مقرر  
مینمایند. هر جمعیت، حزب، تنظیم، قوم، جبهات  
متحده و دستگاه دولت را که به میل خودشان و یا  
. . . . . نباشند در مجموع محکوم و مجرم اعلام  
مینمایند. بدین ترتیب یک بی اعتمادی و تفرقه  
سراسری را در جامعه و کشور دامن زده و میزنند  
که اثرات منفی و ناگوار آن در جامعه افغانی  
بوضاحت احساس و دیده میشود که موجب بی  
علاقه گی و بی تفاوتی مردم در امور سیاسی و  
جتماعی کشور گردیده که از خواستهای استعمار  
منطقه و جهان میباشد. جرم یک عمل شخصی  
است به دیگران سرایت نمیکند. مسئول و مجرم

کسانی هستند که جرم را مرتکب شده و یا دستور داده اند. هیچ حزب، جریان سیاسی، تنظیم های جهادی و قومی وجود ندارد که از بین شان یکعه اشخاص در جریان جنگها مرتکب کشتار مردم بیگناه و جرم نشده باشند. بخاطر چند مجرم همه را محکوم کردن، تر و خشک را سوزاندن گناه کبیره است که با معیارهای اسلامی، اخلاقی و انسانی سازگاری ندارد. اکثریت مردم افغانستان به نحوی از انحا به همین احزاب، جریانات سیاسی، تنظیم های جهادی و اقوام و دولت ها پیوند و ارتباطات دارند. تخریبات دسته جمعی همه، در واقعیت امر تخریب اکثریت مردم افغانستان و تخریب وحدت ملی است. اگر کسی ادعا های مشخص علیه اشخاص دارند به محکمه مراجعه و اقامه دعوی نمایند. تازمانیکه محکمه، شخصی را محکوم نکرده باشد هیچ کس حق ندارد متهمی را از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی به اذهان خودشان محروم و در رسانه های جمعی به جنایت توهین، تشهیر و تعجیز نمایند. میتوانند علیه متهم به دادگاه اقامه

دعوی و متهم را محاکمه نمایند. مبلغین و شخصیت های ملی، آزاد و مستقل هیچ گاه به چنین اعمال تخریب امیز و ضد وحدت و منافع ملی مبادرت نمی نمایند.

تاریخ خون آلود سه ده اخیر کشور ما مؤید این حقیقت تلخ است که ابر قدرت های جهان و همسایه های افغانستان در رهبری احزاب سیاسی، تنظیم های جهادی، گروه های طالبی و رهبری چهار دولت دست نشانده، ما بعد دولت مرحوم داود خان نفوذ و دست داشتند و در بازی های شطرنج سیاسی و نظامی، افغانها را بحیث مهره های جنگی علیه یکدیگر به جنگ انداختند و نگذاشتند که باهم وحدت و اتحاد نمایند.

تا امروز سرنوشت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حاکمیت ملی ما را ابر قدرتها و همسایه های افغانستان به گروگان گرفته اند حالاتی را در افغانستان خلق کردند که افغانها را به نوک ناوه کشانیدند و دست و پای شان را در زنجیرها بسته

کرده اند و دولت افغانستان را برای زنده ماندن به تگدی مجبور ساخته اند.

اگر افغانستان ازاد و مستقل میبود و یک دولت ملی حاکمیت کشور را در دست میداشت، ما احتیاج هیچ کشوری نمیشدیم و نمیبودیم. افغانستان ذخایر معدنی بیش از سه تریلیون دالری دارد. به اعتبار همین ذخایر معدنی یک عده کشورها، بانکها، و صنایع بزرگ جهان به افغانستان اعتبارات و قروض ملیارد دالری میدادند که ما همه مصارفات و پروژه های انکشافی خود را از منابع داخلی تمویل کرده میتوانستیم به هیچ کشوری دست تگدی دراز نمیگردیم.

فساد را در ادارات دولتی افغانستان دام گذاری کردند. پای اکثریت عناصر ضعیف النفس در این دام ها گرفتار شدند و با استعمار منطقوی و جهانی و دشمنان افغانستان سازش کردند و مشترک المنافع شدند که در خدمت شان قرار دارند و از تشکیل دولت ملی با تقلب ها جلوگیری کردند و میکنند.



نقش و نفوذ خارجیها در دولت های سه دهه اخیر افغانستان برازنده بود که روی همین دلایل با وصف پیروزی افغانها در جنگها، تلفات و قربانی های عظیم انسانی و خسارات هنگفت اقتصادی ما افغانها هیچ دست آورد ملموس ملی در ختم جنگها نداشتیم و نداریم. این حقایق تلخ را در قضاوت های خود باید شامل بسازیم. تا نسل های آینده چنین اشتباهات را بار دیگر تکرارن مرتکب نشوند. در غیر آن خود به بیراهه میرویم و مردم را هم باخود به بیراهه میبریم.

جنگهای استعماری در طول تاریخ تا امروز هشتاد فیصد اهداف اقتصادی داشته که تحت شعارها، بهانه ها و برنامه های گوناگون براه انداخته شده است. تروریزم اقتصادی معمولن بدون سروصدا و بدون حساب دهی و گذارش دهی نیمه علنی و نیمه مخفی در خفاء از آگاهی مردم طرح ریزی، تطبیق و عملی میشود. روی همین برنامه های ماهرانه و اغواگرانه، تروریزم اقتصادی معادن افغانستان، زیر پوشش کمک های ناچیز اقتصادی پنهان و مخفی نگه

داشته شده که مردم بشمول کارشناسان سیاسی و اقتصادی درباره آن اطلاعات کافی ندارند.

از تجارب عملی، مردم افغانستان آموخته اند که تروریزم در اطراف منابع، ذخایر و گذرگاههای اقتصادی پایه گذاری و تربیه میشوند و به عملیات های ترورستی آغاز مینمایند. به تعقیب آن نیروهای ضد تروریزم بخاطر دفع تروریزم وارد صحنه و عمل میشوند که افغانستان نمونه زنده چنین کارزارها میباشد. تجارب تاریخی گواه بر این حقیقت است که استعمارگران در طول تاریخ برای رسیدن به اهداف نهایی سیاسی و اقتصادی نا مشروع شان از گزینه های گوناگون تروریزم سازمان یافته جنگی، نظامی، استخباراتی، نقش گروه های افراطی و عقب گرای مذهبی و رسانه های نشراتی و تبلیغاتی استفاده مینمایند.

تجارب تلخ رویدادهای فاجعه آمیز افغانستان مؤید این حقیقت است که تروریزم و ضد تروریزم وارده از خارج دوروی یک سکه هستند و هر دو گروه مردم افغانستان را با هدف مشترک بیرحمانه به

شهادت می‌رسانند که ملت افغانستان در مدت بیش از ده سال آنرا با سرومال و زندگی شان عملن تجربه کرده اند و میکنند.

رهبری، مراکز، لانه ها، پناه گاهها و تعلیم گاهای ترورستان در ماورای مرزهای افغانستان دست ناخورده باقی مانده اما جنگ تروریزم و ضد تروریزم در افغانستان براه انداخته شد که مدت ده سال میشود که کشتار و خون ریزی همچنان در افغانستان ادامه دارد و هزاران افغان مظلوم، فامیل ها و اطفال را بشهادت رسانیدند. اما رهبری شبکهات تروریزم در شهرها و قصرها در ماورای سرحدات افغانستان با مصئونیت کامل در رفاه زندگی میکنند. تروریزم، اشغال و فساد اداری سه ضلع یک مثلث هستند که زندگی مردم و سرنوشت کشور ما را در محاصره و به گروگان گرفته است.

خروج و آزاد زیستن از حصار مثلث کا رآسان نیست به تدبیر، درایت و همبستگی سراسری ملی مردم ما ارتباط دارد که بصورت متحد، ثابت و پایدار از طریق مبارزات صلح آمیز برای حصول

آزادی و حاکمیت ملی مان قیام نمایند. این آرمان و حوصله تا حال در جامعه افغانی کمتر دیده میشود. افغانها را آنقدر متفرق و بی اعتماد و خود خواه ساخته اند که با خارجی ها و دشمنان افغانستان سازش میکنند با مخالفین داخلی و برادران هموطن خود تفاهم، وحدت و اتحاد نمیکند. با همه ی این نا بسامانی ها نباید نا امید شد. هر تاریکی در قبال خود روشنی دارد و هر شب تاریک در مقابل خود روز روشنی دارد.

از خداوند متعال تمنا مینمایم که اشعه فروزان آفتاب صلح، برادری، اخوت و همبستگی ملی را از روزنه کوچک موجود به کلبه خون آلود ما بتابد و بما عنایت فرماید که باهم متحد و یکپارچه شویم، آزادی و حاکمیت ملی مانرا در فرصت مساعد با تدبیر و درایت کامل بدست آوریم. و من الله توفیق

۹ جوزا ۱۳۹۱

